

# مطالعات

دوره اول / شماره ۲ / زمستان ۱۳۹۰ / صص ۲۳۶-۲۳۱

## تاریخ نوین جهان اسلام\*

امیربهرام عرب‌احمدی\*\*

استادیار گروه مطالعات افریقای جنوبی، دانشگاه تهران

کتاب «تاریخ نوین جهان اسلام» نوشته پروفیسور رینهارد شولز استاد دپارتمان مطالعات اسلامی دانشگاه برن سوئیس یکی از جدیدترین کتاب‌هایی است که طی چند سال گذشته در ارتباط با جهان اسلام در قرن بیستم تألیف شده است.<sup>۱</sup> پروفیسور شولز در این کتاب که تلاشی در گشودن افقی نو در زمینه مطالعه کشورهای اسلامی در جهان غرب به شمار می‌رود و برخلاف اکثر نویسندگان امروز غربی که بیشتر دامنه مطالعات خود را بر

---

\*. Schulze, R. (2002). *A Modern History of the Islamic World*. London & New York: Tauris.

\*\* . arabahmadi@ut.ac.ir

۱. پروفیسور رینهارد شولز متولد سال ۱۹۵۳ در کشور آلمان و دانش‌آموخته دانشگاه بُن در رشته‌های اسلام‌شناسی، زبان‌های لاتین، عربی و زبان‌شناسی است. شولز در دهه ۱۹۸۰ و نیمه اول ۱۹۹۰ در دانشگاه‌های بوخوم، بن و بامبرگ به تدریس اسلام و مطالعات شرق‌شناسی پرداخته و از سال ۱۹۹۵ به عضویت هیئت علمی دانشگاه برن سوئیس نائل آمده است. وی در حال حاضر رئیس دانشکده مطالعات اسلامی دانشگاه برن است. حوزه تخصص پروفیسور شولز توسعه تاریخی و گسترش اسلام در مناطق مختلف جهان است. جدای از کتاب پیش روی دیگر تالیفات وی عبارتند از: انترناسیونالیسم اسلامی در قرن بیستم (۱۹۹۰)؛ حقوق بشر در مباحث اسلامی (۱۹۹۱)؛ تاریخ جهان اسلام در قرن بیستم (۱۹۹۴)؛ شورش کشاورزان مصری در سال (۱۹۱۹)؛ تقابل جامعه کشاورزی مصر با دولت استعماری (۱۸۲۰-۱۹۱۹). پروفیسور شولز تاکنون چند مقاله در ارتباط با جهان اسلام و موضوعات اسلامی در دایرة‌المعارف اسلام و دایرة‌المعارف آکسفورد به چاپ رسانده است.

بخش‌های خاصی از جهان اسلام محدود ساخته‌اند، رویکرد کلی خود را در گستره‌ای وسیع به کشورهای اسلامی در قرن بیستم معطوف ساخته است. در این راستا وی با نگرشی جدید و دیدگاهی جامعه‌شناختی به تحلیل وقایع تاریخی و شاخصه‌های سیاسی جهان اسلام از خاورمیانه تا شمال و غرب آفریقا از یک سو و خاور دور و اروپا از سوی دیگر پرداخته است. نویسنده در این کتاب در مقاطع ده‌ساله و به صورت مقطعی تاریخ حوادث سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع اسلامی را مورد بررسی قرار داده است. پروفسور شولز در بخش آغازین با ارائه توضیحاتی پیرامون استعمار و تأثیر آن در ظهور نوگرایی در جهان اسلام، طلوع ناسیونالیسم بورژوازی را در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ و عصر نهضت‌های استقلال‌طلبانه را طی دهه‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ با در نظر گرفتن پیچیدگی‌های موجود بین فرهنگ‌های اسلامی و فرهنگ سیاسی جمهوری خواهی مورد بررسی قرار داده و به تشریح ایدئولوژی‌های اسلامی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و روابط بین فرهنگ اسلامی و جامعه مدنی حاکم در سرتاسر دهه ۱۹۹۰ پرداخته است.

نویسنده در بخش‌های مختلف کتاب با پرداختن به تقابل سنت و مدرنیسم در جهان اسلام طی یک‌صد سال گذشته (قرن بیستم) مکاتب گوناگون نظیر ناسیونالیسم و سوسیالیسم را نیز در نظر داشته و در بررسی مقاطع مختلف تاریخ جهان اسلام به نوعی سعی کرده این مکاتب را الهام‌بخش جوامع اسلامی قلمداد کند. وی همچنین بخشی از مباحث کتاب را به تقابل مشروطه‌خواهان با جمهوری‌خواهان اختصاص داده و گوشه چشمی نیز به مبحث خلافت در اسلام و فراز و نشیب‌های آن طی یک‌صد سال اخیر داشته است.

هرچند پروفسور شولز در این کتاب تقریباً به بیشتر کشورهای اسلامی اشاره‌های کوتاهی در دوره‌های مختلف داشته ولی رویکرد خاص او عمدتاً معطوف به چند کشور اسلامی از جمله امپراتوری عثمانی (ترکیه)، ایران، مصر، عربستان، اندونزی، الجزایر و افغانستان بوده و به گونه‌ای می‌توان گفت این کشورها را به عنوان نمونه‌ای از کل جهان اسلام در نظر گرفته است.

کتاب «تاریخ نوین جهان اسلام» از بسیاری جهات و با توجه به حجم بالای اطلاعاتی که در مورد جهان اسلام و جوامع اسلامی و ارتباط آنها با مکاتب فرهنگی معاصر ارائه کرده، تحقیقی ارزشمند و در خور توجه تلقی می‌شود و می‌توان آن را شیوه‌ای جدید در بررسی حقایق تاریخی، پیوستگی مداوم سوژه - ابژه (موضوع و ماهیت) و اصالت قائل شدن به رویکرد سوبجکتیویستی در تاریخ دانست. با این حال نویسنده همچون دیگر متفکران و محققان غربی که معمولاً جهان اسلام و جوامع اسلامی را به شیوه خاص سکولاریستی خود مورد مطالعه قرار داده و تلاش دارند کلیه وقایع و حوادث تاریخی کشورهای اسلامی را در قالب و چهارچوب فکری خود تنظیم و دسته‌بندی کنند، بسیاری از موضوعات را از زاویه خاص خویش مورد بررسی قرار داده که طبیعتاً رهیافتی یک‌سویه و فاقد عینیت‌های موجود در جوامع اسلامی است. برخی از اشکالات موجود در متن این کتاب حجیم عبارتند از:

۱. نویسنده در بخش‌هایی از کتاب به ارائه تعابیر خاص خود از دین اسلام و ارتباط آن با سوسیالیسم، ناسیونالیسم و فاشیسم پرداخته است.

۲. رویکرد عمده نویسنده در این کتاب تلاش نسبی وی برای به تصویر کشیدن مخالفت اسلام با مدرنیسم و نوگرایی است و در برخی صفحات چهره خشنی از مسلمانان ترسیم کرده است.

۳. نویسنده در ارائه توضیحاتی پیرامون مذاهب و گروه‌های اسلامی که آنها را به دو دسته سلفی و نوسلفی تقسیم کرده آشکارا مسلمانان را در دو گروه محافظه‌کار و افراطی جای داده است.

۴. نویسنده در صفحات مختلف از واژه «خلیج» و در یک صفحه خاص از واژه مجعول «خلیج عربی» استفاده کرده و به‌رغم تأکید بر آزاداندیشی آشکارا به تحریف یکی از مهم‌ترین حقایق تاریخی موجود که مورد تأیید سازمان ملل نیز هست، پرداخته است.

۵. نویسنده در معرفی اندیشمندان مسلمانی نظیر کواکبی، عبده، رشید رضا، حسن

البناء، سید قطب، دکتر شریعتی، حسن الترابی و... با تفسیر افکار و عقاید آنان از نقطه نظر خود، برخی از آنها را چهره‌هایی مترقی و روشنفکر و بعضی را متحجر و متعصب دانسته است.

۶. نویسنده در برخی صفحات با استفاده از واژه‌هایی خاص نظیر اسلام سیاهان، آشکارا سعی کرده بین مسلمانان مناطق مختلف جهان بر اساس قومیت و رنگ پوست تفاوت‌هایی را قائل شود.

۷. نویسنده در مورد مناقشه‌های اعراب و اسرائیل بارها به جانبداری از اسرائیل پرداخته و علاوه بر کوشش برای تطهیر نسبی صهیونیست‌ها تلاش کرده چهره‌ای حق به جانب از رژیم صهیونیستی و نحوه تشکیل آن را ترسیم کند. وی همچنین در موضوع جنگ‌های اعراب و اسرائیل به حمایت گسترده غرب از اسرائیل در دهه‌های گذشته اعم از سیاسی، نظامی و اقتصادی اشاره‌ای نکرده است.

۸. نویسنده در مبحث جنگ بوسنی سعی کرده جنگ بین مسلمانان این کشور و صرب‌ها را نوعی جنگ قومی جلوه‌گر سازد و از مذهبی خواندن جنگ بوسنی و قتل عام گسترده مسلمانان توسط مسیحیان صرب و کروات خودداری کرده است.

۹. نویسنده از موضوع طالبان و نحوه پیدایش این فرقه متحجر به صورت گذرا و شتابزده عبور کرده و هیچ تلاشی برای تحلیل اینکه طالبان با حمایت چه کشورهایی به وجود آمده و ظهور این فرقه چه پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت، نشان نداده است.

۱۰. نویسنده در بسیاری از صفحات کتاب در معرفی و توضیح مبارزان مسلمان به‌ویژه فلسطینی‌ها که برای آزادی وطن خود علیه صهیونیست‌های غاصب می‌جنگند، واژه تروریست را به کار برده است.

۱۱. نویسنده در رابطه با تاریخ ایران در دوره‌های تاریخی مختلف به تحریف حوادث و وقایع تاریخی پرداخته است. وی با اشاره به روند حوادث ایران در دوره مشروطیت در زمینه اهداف جمهوری خواهانه رضاخان پیش از تأسیس سلطنت پهلوی اشتباهات بزرگی را مرتکب شده است. پروفیسور شولز در ادامه، روند حوادث دوره

دکتر مصدق و روابط او با آیت‌الله کاشانی را که در نهایت منجر به وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شد، از دیدگاهی خاص و به صورت یکجانبه مورد بررسی قرار داده است. نگرش پروفیسور شولز در زمینه عوامل مؤثر در ظهور انقلاب اسلامی ایران نیز برگرفته از دیدگاه‌های رایج در غرب بوده و به طور ضمنی انقلاب اسلامی ایران را تأثیرپذیر از افکار سوسیالیستی خوانده است. نویسنده در ادامه با ارائه تحلیل‌های نادرست از امام خمینی(ره) در مورد موضوعات مختلف، موضع‌گیری‌های خاص و یک‌سویه خود را در مورد جنگ ایران و عراق آشکار ساخته و در مورد چاپ کتاب آیات شیطانی و فتوای حضرت امام(ره) در مورد سلمان رشدی نیز تلاش کرده نقش این فتوا را در محافل جهان اسلام کمرنگ جلوه دهد.

۱۲. نویسنده با تأکید خاص در مورد انقلاب اسلامی ایران (که عکسی از انقلاب اسلامی را نیز بر روی جلد کتاب قرار داده) با بررسی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ سعی کرده با زیرسؤال بردن مردم‌سالاری دینی در ایران، جامعه ایران را به دو بخش رویاروی هم تقسیم کند که به زعم وی نمایانگر «نسل جوان» و «نسل قدیمی انقلابی» هستند. وی همچنین در مباحث مربوط به جمهوری اسلامی ایران که در چند بخش مجزا ارائه شده به گونه‌ای غیرمستقیم به ارائه تحلیل‌های نادرست از نهضت انقلابی تشیع و ولایت فقیه پرداخته و سعی کرده پیروان مکتب تشیع را تندرو و گاه افراطی جلوه دهد.

۱۳. نویسنده در مبحث الجزایر به ویژه در دهه ۱۹۹۰ سعی کرده اختلافات و درگیری‌های این کشور را داخلی جلوه دهد و به توطئه‌ها و دسیسه‌های پنهان و آشکار غرب به ویژه فرانسه در شعله‌ور نگاه داشتن آتش جنگ‌های داخلی در الجزایر پرداخته است.

با این همه می‌توان گفت کتاب «تاریخ نوین جهان اسلام (در قرن بیستم میلادی)» به دلیل جامعیت آن و پرداختن به وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی کشورها و مناطق مختلف اسلامی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

نویسنده که در جمع‌آوری مطالب این کتاب بخش عظیمی از کتب انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، فارسی، عربی و ترکی را مطالعه کرده، به‌ویژه در زمینه پدیدار شدن تمایلات سیاسی ملی‌گرایی، لیبرال محافظه‌کار و سوسیالیست در جوامع اسلامی رویکرد نسبتاً نوینی را به کار برده و با وجود نگاه پیشینی و ارائه پیش فرض و فرضیه به جای نظریه (در برخی مباحث) در مجموع اثر ارزشمندی بر جای نهاده است؛ از این رو می‌توان گفت این کتاب با وجود نقائص مورد اشاره به منزله دایرةالمعارفی کوچک می‌تواند مورد استفاده دانش‌پژوهان و محققان به‌ویژه دانشجویان رشته‌های علوم سیاسی، تاریخ و روابط بین‌الملل قرار گیرد. از سوی دیگر زاویه دید خاص نویسنده در این کتاب که نوع نگرش عموم محققان غربی را در مورد کشورهای اسلامی در خود جای داده است نیز از نقطه نظر شناسایی نحوه تفکر آنان مهم و قابل اهمیت است. شایان ذکر است اصل این کتاب به زبان آلمانی است و نسخه انگلیسی آن توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به زبان فارسی ترجمه شده و به زودی منتشر می‌شود.